

ترور هدفمند دانشمندان هسته‌ای در حمله اسرائیل علیه ایران؛ چالشی برای حقوق بشردوستانه (پژوهشی)

شهرام زرنشان*

محمد رضا خاکپور**

(DOI) : 10.22066/cilamag.2025.2070630.2809

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲

چکیده

ترورهای هدفمند دانشمندان هسته‌ای ایران در حمله اسرائیل علیه ایران در ژوئن ۲۰۲۵ به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور در عرصه مناسبات بین‌المللی، چالش‌های حقوقی عمیقی را در تفسیر و اجرای قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه ایجاد کرده است. این پژوهش با توجه به خلأهای موجود در رویه قضایی بین‌المللی و آثار مخرب چنین اقداماتی بر ثبات نظام حقوقی بین‌الملل، به بررسی جامع این موضوع می‌پردازد. هدف اصلی مقاله، تحلیل همه‌جانبه ترور دانشمندان هسته‌ای ایران در چارچوب نظام حقوق بین‌الملل عرفی با تمرکز بر سه محور اساسی شامل اصل تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی و اصل تمایز و تناسب است. این پژوهش با اتکا بر منابع معتبر حقوقی شامل: رویه قضایی مراجع بین‌المللی (دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان کیفری بین‌المللی)، دکتترین‌های حقوقی معتبر، اسناد سازمان‌های بین‌المللی و مطالعه تطبیقی پرونده‌های مشابه تاریخی انجام شده است. بر مبنای حقوق بین‌الملل عرفی مستخرج از رویه قضایی، دانشمندان هسته‌ای در غیاب مشارکت مستقیم و فعال در عملیات نظامی، از حمایت کامل به‌عنوان غیرنظامی برخوردارند. ترور هدفمند این افراد بدون رعایت اصل تمایز و تفکیک، نقض فاحش قواعد امره حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. رویه قضایی بین‌المللی نشان می‌دهد که چنین اقداماتی مسئولیت بین‌المللی کیفری و مدنی برای عاملان و حامیان آن ایجاد می‌کند.

* نویسنده مسئول، دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

zarneshan@atu.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی همدان، همدان، ایران

m.r.khakpoor@gmail.com



<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

بر اساس این مقاله، نتیجه‌گیری می‌شود ترور دانشمندان هسته‌ای ایران نه تنها نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه است، بلکه تهدیدی جدی برای ثبات نظام بین‌المللی محسوب می‌شود. از دیدگاه حقوق بین‌الملل، ترور هدفمند دانشمندان هسته‌ای ایران در عملیات ژوئن ۲۰۲۵، فراتر از نقض متعارف، بیانگر چالش ساختاری عمیق‌تر برای کل نظام حقوقی حاکم بر حقوق بشردوستانه و حقوق مخاصمات مسلحانه است. در هسته این چالش، تعارضی بنیادین بین تفسیر موسع و یکجانبه از «ضرورت امنیتی پیشدستانه» از یک سو، و چارچوب چندجانبه و قاعده‌مند حقوق بشردوستانه از سوی دیگر قرار دارد.

واژگان کلیدی

حقوق بین‌الملل عرفی، اصل تمایز، ترور هدفمند، دانشمندان هسته‌ای، ضرورت نظامی، تناسب، مسئولیت بین‌المللی، حقوق مخاصمات مسلحانه، قواعد آمره

مقدمه

حوادث ژوئن ۲۰۲۵ نقطه عطف بی‌سابقه‌ای در تاریخ منازعات منطقه‌ای و کاربرد حقوق بین‌الملل بشردوستانه به شمار می‌رود. در این عملیات هماهنگ که طی چند روز در شهرهای مختلف ایران به اجرا درآمد، تعدادی از برجسته‌ترین دانشمندان و مهندسان هسته‌ای این کشور با روش‌هایی پیچیده هدف قرار گرفته و ترور شدند. رژیم اسرائیل نه تنها مسئولیت این اقدام را بر عهده گرفت، بلکه صراحتاً آن را گامی ضروری در «راهبرد بازدارندگی فراسرزمینی» خود برای خنثی‌سازی آنچه «تهدید وجودی برنامه هسته‌ای نظامی ایران» می‌خواند، اعلام کرد. این رخداد توسط اسرائیل در عملیات ژوئن ۲۰۲۵، چالش‌های حقوقی بی‌سابقه‌ای را در تفسیر اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه ایجاد کرده است. این اقدام که با استناد به مفهوم مشارکت مستقیم در مخاصمات^۱ توجیه شده است، مرزهای حمایت از غیرنظامیان در درگیری‌های مسلحانه را به چالش کشیده است.

توجیه حقوقی ارائه شده از سوی اسرائیل برای این عملیات، مبتنی بر خوانشی موسع و یکجانبه از حقوق بشردوستانه است. مقامات این کشور استدلال کرده‌اند که دانشمندان مذکور، به دلیل نقش محوری و تعیین‌کننده در پیشبرد برنامه‌ای که بالقوه می‌تواند به ساخت تسلیحات کشتار جمعی بینجامد، عملاً در «قلب مخاصمه» قرار داشته و مشمول استثنای مشارکت مستقیم می‌شوند. افزون بر این، این عملیات در بافتی صورت گرفت که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، با وجود ابراز نگرانی از گسترش غنی‌سازی، بارها تأکید کرده بود که شواهد قطعی از انحراف مواد هسته‌ای به سمت برنامه‌های نظامی در دست ندارد.^۲ این تناقض میان ادعای تهدید قریب‌الوقوع و یافته‌های

1. Direct Participation in Hostilities

2. International Atomic Energy Agency, *Report on Iran's Nuclear Program* (Vienna: IAEA Board of Governors, 2025), 12.

نهاد نظارتی بین‌المللی، بر پیچیدگی تحلیل حقوقی می‌افزاید.

هدف این مقاله، ارائه تحلیل حقوقی دقیق و ساختاریافته از این واقعه در پرتو قواعد موجود حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. این مقاله با استناد به منابع معتبر حقوقی، شامل رویه قضایی بین‌المللی، دکترین‌های حقوقی و اسناد سازمان‌های بین‌المللی، به پرسش محوری تحقیق پاسخ می‌دهد که «آیا ترور هدفمند دانشمندان هسته‌ای ایران در عملیات ژوئن ۲۰۲۵ با اصول بنیادین حقوق بشردوستانه و حقوق مخاصمات مسلحانه، شامل اصل تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی و اصل تمایز و تناسب، آن‌گونه که در معاهدات و حقوق عرفی تعریف شده، سازگاری دارد؟» فرضیه مقاله بر این پایه استوار است که این عملیات، با توسل به تفسیری خودسرانه و موسع از مفاهیم کلیدی، مرزهای حمایت از غیرنظامیان را مخدوش کرده و نقض همزمان و فاحش قواعد آمره^۳ حقوق بشردوستانه را مرتکب شده است؛ امری که مسئولیت بین‌المللی کیفری و مدنی دولت عامل و مشوقان آن را به‌طور کامل در پی دارد. اهمیت این پژوهش در دو سطح نظری و عملی قابل ارزیابی است. در سطح نظری، این تحلیل به روشن‌تر شدن و احتمالاً بازتعریف مرزهای مفهوم مشارکت مستقیم در عصر جنگ‌های پیچیده و فناوری محور کمک می‌کند. در سطح عملی، یافته‌های آن می‌تواند مبنایی برای تقویت سازوکارهای پاسخگویی و بازدارندگی در نظام بین‌الملل اعم از احیای نقش نهادهای قضایی مانند دیوان کیفری بین‌المللی، تحریم‌های هدفمند یا تقویت صلاحیت جهانی فراهم آورد و مانع از عادی‌سازی و تکرار چنین اقداماتی در آینده شود.

برای واکاوی نظام‌مند این پرسش‌ها، مقاله در سه بخش سامان یافته است. بخش اول به تشریح چارچوب نظری و قواعد حقوقی حاکم اختصاص دارد و اصول سه‌گانه تفکیک، تمایز و تناسب را همراه با مفهوم مشارکت مستقیم و جایگاه آن‌ها در حقوق معاهداتی و عرفی بررسی می‌کند. بخش دوم، قلب تحلیلی مقاله را تشکیل می‌دهد و عملیات ژوئن ۲۰۲۵ را ذیل هر یک از اصول و معیارهای تشریح‌شده به آزمون می‌گذارد. بخش سوم، پیامدهای حقوقی این نقض را تحلیل و اشکال مختلف مسئولیت بین‌المللی (کیفری، مدنی و دولت) و راه‌های احقاق آن را بررسی می‌کند.

۱. اصول بنیادین حقوق مخاصمات مسلحانه

حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر سه اصل اساسی استوار است^۴ که ترور هدفمند دانشمندان هسته‌ای را باید در چارچوب آن‌ها تحلیل کرد:^۵

3. *jus cogens*

۴. ن.ک: محمد رضا ضیائی بیگدلی، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه* (تهران: گنج دانش، ۱۴۰۱).

۵. ن.ک: محمدخلیل صالحی و محمد سلمانی فرهنگ، «تحلیل ترور دانشمندان هسته‌ای ایران از منظر حقوق داخلی و بین‌الملل»، *تمدن حقوقی* ۴، ۹ (۱۴۰۰).

۱-۱. اصل تفکیک^۶

این اصل که در ماده ۴۸ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۷)^۷ تصریح شده است، طرفین درگیر را ملزم می‌کند همواره بین نظامیان و غیرنظامیان تفکیک قائل شوند.^۸ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) در راهنمای تفسیری خود (۲۰۰۹)^۹ تأکید می‌کند که این اصل، قاعده عرفی است که برای همه دولت‌ها الزام‌آور است، حتی اگر به پروتکل ملحق نشده باشند. اصل تفکیک، ستون فقرات حقوق بین‌الملل بشردوستانه^{۱۰} را تشکیل می‌دهد. این ماده مقرر می‌دارد: «به منظور تضمین احترام و حمایت از جمعیت غیرنظامی و اهداف غیرنظامی، طرف‌های متخاصم در تمام اوقات میان جمعیت غیرنظامی و رزمندگان و نیز میان اهداف غیرنظامی و اهداف نظامی تفکیک قائل شده و عملیات خود را فقط علیه اهداف نظامی معطوف خواهند کرد».^{۱۱} این تکلیف دوگانه است: اول، تکلیف به تفکیک قائل شدن و دوم، تکلیف به حمله نکردن به اهداف غیرنظامی.^{۱۲} اهمیت این اصل به حدی است که تنها به کشورهای عضو پروتکل اول محدود نمی‌شود. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) در مطالعه عرفی خود بر این موضوع تأکید کرده برای تمامی دولت‌ها، اعم از اینکه به پروتکل اول ملحق شده باشند یا نه، در هر نوع مخاصمه مسلحانه بین‌المللی یا غیربین‌المللی، الزام‌آور است.^{۱۳} اجرای مؤثر اصل تفکیک مستلزم درک دقیق مفاهیم «غیرنظامی»، «مشارکت مستقیم در عملیات مسلحانه» و «هدف نظامی» است. مطابق حقوق بین‌الملل، وضعیت غیرنظامی فرض اولیه است و تنها در صورتی که شخصی مستقیماً در عملیات نظامی مشارکت داشته باشد، آن حمایت را به‌طور موقت از دست می‌دهد. تفسیر عبارت «مشارکت مستقیم» بسیار حیاتی و گاهی بحث‌برانگیز است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در راهنمای تفسیری (۲۰۰۹)^{۱۴} معیارهای سختی برای آن تعریف کرده است:

یک عمل باید تأثیر نامطلوب مستقیمی بر توانایی نظامی طرف مقابل داشته باشد یا منجر به آسیب‌های جسمی به نظامیان یا غیرنظامیان شود. بنابراین، هدف قراردادن یک دانشمند یا مهندس به‌صرفه اینکه در یک بخش علمی کار می‌کند، اگر مشارکت مستقیم و تأثیر او در یک عملیات

6. Principle of Distinction

7. *Additional Protocol I*, art. 48.

8. Yoram Dinstein, *The Conduct of Hostilities under the Law of International Armed Conflict*, 3rd ed. (Cambridge: Cambridge University Press, 2016) 45.

9. International Committee of the Red Cross, *Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities* (Geneva: ICRC, 2009), 58.

10. *Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities* (Geneva: ICRC, 2009), 16-20.

11. *Ibid.*

12. Obligation to Refrain From Attacking Civilian Objects

13. *Ibid.*

14. International Committee of the Red Cross

نظامی خاص به اثبات نرسد، نقض فاحش اصل تفکیک محسوب می‌شود. چنین حمله‌ای، در صورت عمدی بودن ممکن است به عنوان جنایت جنگی تحت اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (ماده ۸) مورد تعقیب قرار گیرد.^{۱۵} جهان معاصر، چالش‌های جدیدی را برای اعمال اصل تفکیک ایجاد کرده است. مخاصمات در مناطق شهری پرتراکم که در آن نیروهای نظامی و غیرنظامیان به طور نزدیک در هم آمیخته‌اند، رعایت این اصل را دشوار می‌کند. همچنین هدف‌قراردادن اهدافی که دارای کاربرد دوگانه نظامی و غیرنظامی هستند، مانند شبکه برق یا مراکز تحقیقاتی که هم برای کاربرد غیرنظامی و هم برای برنامه‌های نظامی استفاده می‌شوند، نیاز به ارزیابی دقیق دارد. بر اساس حقوق بشردوستانه، حمله به چنین اهدافی تنها در صورتی مجاز است که در آن مقطع خاص، هدف منحصرأ نظامی داشته باشند و حمله به آن‌ها نیز باید با رعایت اصل تناسب، جلوگیری از خسارات غیرنظامی بیش از حد و احتیاط در حمله انجام شود.

مورد ترور هدفمند نخبگان علمی، نمونه‌ای از این چالش‌هاست، چرا که طرف حمله‌کننده مدعی است این افراد «اهداف نظامی» هستند در حالی که طرف دیگر بر وضعیت غیرنظامی آن‌ها تأکید دارد. حل این منازعه مستلزم ارائه ادله محکم و مطابق با معیارهای حقوق بین‌الملل است.^{۱۶}

۱-۲. اصل تمایز^{۱۷}

اصل تمایز که به عنوان مکمل ضروری اصل تفکیک عمل می‌کند، بر لزوم جداسازی فیزیکی اهداف و تجهیزات نظامی از مناطق و جمعیت غیرنظامی تأکید دارد. این اصل در ماده ۵۸ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۷) به تصویر کشیده شده است که از طرفین درگیری می‌خواهد «تا حد امکان»، اقداماتی را برای دور کردن غیرنظامیان تحت کنترل خود از مجاورت اهداف نظامی انجام دهند و از استقرار اهداف نظامی در داخل یا مجاورت مناطق پرجمعیت غیرنظامی خودداری کنند.^{۱۸} هدف اصلی این اصل، کاهش ریسک صدمات غیرعمدی به غیرنظامیان است، چه از طریق حمله دشمن به اهداف نظامی و چه به دلیل وجود این اهداف در میان غیرنظامیان. به عبارت ساده، این اصل، تکلیف «پاک نگه داشتن میدان بازی» را بر عهده طرفین درگیری می‌گذارد.^{۱۹} اهمیت و الزام‌آور بودن جهانی اصل تمایز، تنها به متعاهدین پروتکل اول محدود نمی‌شود. مستفاد

15. Gary D. Solis, *The Law of Armed Conflict: International Humanitarian Law in War*, 3rd ed. (New York: Cambridge University Press, 2016), 215.

16. *Ibid.*

17. Principle of Distinguishing the Placement of Military Hardware from the Vicinity of Civilian Objects

18. ن.ک: جاناتان کرو و کیلی وستون-اشور، *بایسته‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه*، ترجمه: رضا موسی‌زاده، احمدرضا آذرپندار و علی‌اکبر ملکی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۹).

19. Nils Melzer, *Targeted Killing in International Law* (Oxford: Oxford University Press, 2008) 144.

از رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نیکاراگوئه علیه ایالات متحده یک قاعده می‌تواند به طور همزمان ارزش معاهداتی و عرفی داشته باشد. بنابراین قواعد مندرج در پروتکل اول نیز می‌تواند به طور همزمان جنبه عرفی داشته باشند. این رأی قضایی، جایگاه اصل تمایز را به‌عنوان قاعده الزام‌آور برای تمامی دولت‌ها، صرف‌نظر از تصویب یا عدم تصویب پروتکل‌های خاص، تثبیت کرد.^{۲۰} کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز در مطالعه گسترده خود بر حقوق عرفی بشردوستانه، این موضوع را تأیید و این قاعده را به آن اختصاص داده است: «هر طرف درگیری باید تا حد امکان، اهداف نظامی خود را از مناطق غیرنظامی دور نگه دارد.»

ارتباط این اصل با اصل تفکیک بسیار تنگاتنگ است: اصل تفکیک، تکلیف طرف حمله‌کننده برای شناسایی و هدف قراردادن تنها اهداف نظامی را مقرر می‌دارد، در حالی که اصل تمایز، تکلیف طرف مدافع را برای تسهیل این شناسایی و دور کردن غیرنظامیان از مناطق درگیری مشخص می‌کند.

۱-۳. اصل تناسب^{۲۱}

اصل تناسب، یکی از اساسی‌ترین و در عین حال، پیچیده‌ترین قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. این اصل که در ماده ۵۱(۵)(ب) پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۷) ذکر شده است، حملاتی را ممنوع می‌کند که «احتمالاً باعث واردآوردن تلفات اتفاقی در میان غیرنظامیان یا خسارت به اهداف غیرنظامی خواهد شد، به شکلی که در مقایسه با مزیت نظامی مستقیم و مشخصی که پیش‌بینی می‌شود بیش از حد باشد».^{۲۲} به بیان ساده‌تر، حتی اگر هدف، کاملاً نظامی و مشروع باشد (مثلاً پایگاه نظامی یا کارخانه تولید تسلیحات)، اگر حمله به آن منجر به تلفات غیرنظامی^{۲۳} شود که از «مزیت نظامی مستقیم و مشخص» حاصل از نابودی آن هدف بیشتر باشد، آن حمله غیرقانونی است. این اصل به دنبال ایجاد توازن بین ضرورت‌های نظامی و ملاحظات بشردوستانه است.^{۲۴}

ارزیابی رعایت اصل تناسب مستلزم تحلیل سه جزء کلیدی به‌هم‌پیوسته است. اول اینکه خسارات اتفاقی پیش‌بینی‌شده شامل برآورد تمام تلفات جانی غیرنظامیان و خسارات به اهداف غیرنظامی است که به‌طور مستقیم از حمله ناشی می‌شود. این برآورد باید بر اساس همه اطلاعاتی

20. *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America)*, Judgment, 1986 I.C.J. Rep. 14, para. 176.

21. Principle of Proportionality

22. *Additional Protocol I*, art. 51(5)(b).

23. Collateral Damage

24. Michael N. Schmitt, "The Principle of Distinction in 21st Century Warfare", *Yale Human Rights & Development Law Journal* 15, (2012): 18.

باشد که در آن مقطع خاص در دسترس طرف حمله‌کننده است.^{۲۵} دوم اینکه مزیت نظامی مستقیم و مشخص باید ملموس و عینی باشد، نه فرضی یا نامشخص. این مزیت معمولاً به محدود کردن توان نظامی دشمن در طول عملیات خاص مربوط می‌شود و نمی‌تواند مزیت‌های راهبردی گسترده و بلندمدت را شامل شود. سوم اینکه بررسی عدم تجاوز^{۲۶} هسته مرکزی اصل است که در آن مقایسه کیفی بین دو جزء قبلی انجام می‌شود. اگر خسارات غیرنظامی به‌وضوح بیش از مزیت نظامی مورد انتظار باشد، حمله ممنوع است. این آزمون پیشینی است که بر اساس پیش‌بینی‌های فرمانده معقول در زمان تصمیم‌گیری برای حمله انجام می‌گیرد.^{۲۷}

اجرای عملی اصل تناسب با چالش‌های بزرگی روبه‌روست. اولین چالش، ذاتی بودن قضاوت کیفی در این اصل است. چه کسی تعیین می‌کند که چه میزان از تلفات غیرنظامی «به‌وضوح بیش از» مزیت نظامی خاص است؟ این امر به قضاوت فرماندهان نظامی در میدان نبرد واگذار شده که اغلب تحت فشار شدید و با اطلاعات ناقص عمل می‌کنند. دومین چالش، ماهیت پویا و پیچیده جنگ مدرن، به‌ویژه در مناطق شهری است که در آن اهداف نظامی و غیرنظامی به‌شدت در هم آمیخته‌اند و هر حمله‌ای به هدف نظامی بالقوه می‌تواند عواقب گسترده غیرنظامی به همراه داشته باشد. منتقدان در این خصوص اظهارنظر می‌کنند که این اصل، اغلب بهانه‌ای برای توجیه تلفات غیرنظامی فراهم می‌کند، چرا که اثبات نقض آن پس از وقوع حمله بسیار دشوار است.^{۲۸}

علی‌رغم این چالش‌ها، اصل تناسب به قاعده مسلم عرف بین‌المللی تبدیل شده که در تمامی مخاصمات مسلحانه، اعم از بین‌المللی و غیربین‌المللی اعمال می‌شود. این موضوع توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۹۶)^{۲۹} و همچنین در مطالعه حقوق عرفی کمیته صلیب سرخ تأیید شده است.

نقض فاحش اصل تناسب، به‌ویژه اگر عمدی باشد، ممکن است جنایت جنگی محسوب شود. برای مثال، دیوان کیفری بین‌المللی در اساسنامه خود ((b)(iv)) ماده ۸ (۲) رسماً هجوم عمدی به اهداف غیرنظامی به شکلی که خسارت اتفاقی به بار آورد که به‌وضوح بیش از مزیت نظامی کلی باشد را به‌عنوان جنایت جنگی معرفی کرده است.^{۳۰} بنابراین، رعایت این اصل نه‌تنها تکلیف اخلاقی، بلکه تعهد حقوقی سخت برای طرفین درگیری است.^{۳۱}

25. Standard of "Feasible Precaution"

26. Excessiveness

27. *Additional Protocol I*, art. 51(5)(b).

28. Marco Sassòli, *International Humanitarian Law: Rules, Controversies, and Solutions to Problems Arising in Warfare* (Cheltenham: Edward Elgar Publishing, 2019), 245.

29. *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion*, 1996 I.C.J. 226, para. 78 (July 8).

30. Rome Statute of the International Criminal Court, 17 July 1998, 2187 U.N.T.S. 90, art. 8(2)(b)(iv).

31. Jean-Marie Henckaerts and Louise Doswald-Beck, *Customary International Humanitarian Law, Vol. I, Rules* (Cambridge: Cambridge University Press, 2005) 46.

۱-۴. مفهوم مشارکت مستقیم در مخاصمات (DPH)^{۳۲}

مفهوم مشارکت مستقیم در مخاصمات، یکی از پیچیده‌ترین و کاربردی‌ترین مفاهیم در حقوق بین‌الملل بشردوستانه معاصر است که تعیین می‌کند چه زمانی یک غیرنظامی حمایت خود را در برابر حمله از دست می‌دهد.

مفهوم «مشارکت مستقیم در مخاصمات»، خط ممیزی حیاتی بین وضعیت تحت حمایت یک غیرنظامی و وضعیتی است که در آن به‌طور موقت آن حمایت را از دست می‌دهد و می‌تواند هدف حمله قانونی قرار گیرد. بر اساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه،^{۳۳} غیرنظامیان از حمله مصون هستند، مگر آنکه برای مدت زمانی مستقیماً در مخاصمات مشارکت کنند. این اصل در ماده ۵۱(۳) پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۷۷ تصریح شده است: «غیرنظامیان از حمله مصون خواهند بود، مگر آنکه مستقیماً در مخاصمات مشارکت کنند».^{۳۴} بنابراین، درک دقیق مفهوم «مشارکت مستقیم در مخاصمه» برای اعمال اصل تمایز و حفاظت از غیرنظامیان ضروری است. وقتی یک غیرنظامی مستقیماً در مخاصمات مشارکت می‌کند از مصونیت در برابر حمله برخوردار نیست و برای مدت مشارکت مستقیم، ممکن است هدف حمله قانونی قرار گیرد. همچنین حقوق اساسی انسانی او محفوظ است. حتی در حین مشارکت، تحت حمایت قواعد بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه قرار دارد. ضمناً وضعیت او به‌عنوان غیرنظامی تغییر نمی‌کند. مشارکت مستقیم، وضعیت حقوقی فرد را به «رزمنده» تغییر نمی‌دهد اگر دستگیر شود.^{۳۵}

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در راهنمای تفسیری ۲۰۰۹^{۳۶} خود، سه معیار تجمعی را برای مشارکت مستقیم تعیین کرده است:

الف. آستانه آسیب^{۳۷}

آستانه آسیب، این معیار عملکردی مشخص را تعیین می‌کند: فعالیت غیرنظامی تنها زمانی ممکن است به‌عنوان مشارکت مستقیم شناسایی شود که به احتمال قوی سبب آسیب مستقیم به توانایی نظامی یا منابع نظامی یکی از طرفین درگیری یا منجر به مرگ، جراحت یا تخریب در میان پرسنل

32. Direct Participation in Hostilities

33. IHL

34. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June 1977, 1125 U.N.T.S. 3, art. 51(3).

35. *Ibid.*

36. *Ibid.*

37. Threshold of Harm

یا اموال آن طرف شود.^{۳۸} به بیان ساده‌تر، این معیار، «میزان ضرری» را که یک عمل باید بتواند ایجاد کند مشخص می‌سازد تا از حیطة فعالیت‌های عادى غیرنظامى خارج و به عرصه مخاصمات وارد شود.^{۳۹}

ب. رابطه سببى مستقیم^{۴۰}

معیار «رابطه سببى مستقیم»، دومین شرط از معیارهای سه‌گانه راهنمای صلیب سرخ است که به منظور محدود کردن دامنه فعالیت‌های قابل اطلاق به مشارکت مستقیم طراحی شده است. این معیار تأکید می‌کند که بین عمل انجام‌شده توسط غیرنظامی و آسیب ناشی از آن، پیوند علی مستقیم و بدون واسطه وجود داشته باشد. هدف این است که فعالیت‌هایی که تنها به صورت غیرمستقیم یا بسیار دورافتاده به تلاش‌های جنگی کمک می‌کنند، از شمول مفهوم مشارکت مستقیم خارج شوند و مصونیت غیرنظامیان حفظ شود. به عبارت دیگر، این معیار، عامل «چگونگی» ایجاد آسیب را بررسی و تضمین می‌کند که تنها کسانی که آسیب را مستقیماً و بی‌واسطه به بار می‌آورند، هدف قانونی قرار گیرند.^{۴۱}

میزه اصلی این معیار، تمایز قائل شدن بین سببیت مستقیم و سببیت غیرمستقیم است. در سببیت مستقیم، عمل غیرنظامی یک حلقه ضروری و بی‌واسطه در زنجیره وقایعی است که منجر به آسیب می‌شود. آسیب بدون آن عمل رخ نمی‌دهد یا احتمال وقوع آن به شدت کاهش می‌یابد. به عنوان مثال، یک غیرنظامی که دکمه انفجار یک دستگاه انفجاری کنار جاده را فشار می‌دهد، سبب مستقیم آسیب است. اما در سببیت غیرمستقیم بین عمل غیرنظامی و آسیب نهایی، یک یا چند حلقه واسط وجود دارد. این عمل اگرچه در نهایت به آسیب منجر می‌شود، تنها مشارکت عمومی و غیرمستقیم در تلاش جنگی محسوب می‌شود. مثلاً یک مهندس که سال‌ها قبل روی طراحی یک موشک کار کرده است، بین طراحی او و حمله خاصی که ماه‌ها یا سال‌ها بعد رخ می‌دهد، حلقه‌های واسط زیادی (مانند ساخت، استقرار، هدف‌گیری و شلیک توسط افراد دیگر) وجود دارد.

این معیار برای ارزیابی هدف‌گیری نخبگان علمی حیاتی است. صرف کار در یک حوزه با کاربرد دوگانه (مانند هوافضا، شیمی یا انرژی هسته‌ای) کافی نیست. معیار سببیت مستقیم این سؤال را مطرح می‌کند: آیا عمل خاص این دانشمند، پیوند علی بی‌واسطه با یک حمله یا آسیب نظامی مشخص دارد؟

38. International Committee of the Red Cross, *Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities* (Geneva: ICRC, 2009), 47.

39. International Committee of the Red Cross, *Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities* (Geneva: ICRC, 2009), 47–64.

40. Direct Causation

41. *Ibid* (p. 53).

یک فیزیکدان هسته‌ای که به صورت نظری تحقیق می‌کند یا یک مهندس موشک که روی طراحی کلی سیستم کار می‌کند، بین کار آن‌ها و حمله خاص، حلقه‌های واسط متعددی (تصمیم به حمله، تولید انبوه، اختصاص به یک واحد نظامی، هدف‌گیری و شلیک) وجود دارد. اگر همان دانشمند مستقیماً و در زمان واقعی در حال عیب‌زدایی، برنامه‌ریزی مسیر یا هدایت هدف برای یک موشک خاص و آماده شلیک باشد، ممکن است رابطه سببی مستقیم برقرار شود.

ج. رابطه خصمانه^{۴۲}

معیار «رابطه خصمانه» تصریح می‌کند که فعالیت مورد نظر به قصد حمایت صریح یا ضمنی از یک طرف درگیری و به زیان طرف مقابل انجام شود. به عبارت دیگر، عمل فرد باید دارای رابطه ذاتی و عینی با مخاصمه جاری باشد و نه صرفاً اقدام جنایی یا شخصی. هدف این معیار این است: تمایز قائل شدن بین مشارکت در جنگ (که تابع حقوق بشردوستانه است) و ارتکاب جرایم عادی (که تابع قوانین داخلی است).

بدون این معیار ممکن بود هر عمل خشونت‌آمیزی توسط یک غیرنظامی به اشتباه به عنوان مشارکت در درگیری تعبیر شده و بهانه هدف‌قراردادن او را فراهم کند. این معیار برای تحلیل وضعیت نخبگان علمی حیاتی است. صرف اینکه فعالیت یک دانشمند ممکن است به طور غیرمستقیم به توانایی نظامی یک کشور کمک کند (مانند کار در حوزه هوافضا)، برای برقراری «رابطه خصمانه» کافی نیست. سؤال کلیدی این است: آیا عمل خاص آن دانشمند با قصد مستقیم حمایت از عملیات نظامی و به زیان دشمن در درگیری مسلحانه مشخص انجام می‌شود؟ یک دانشمند هسته‌ای که در مرکز تحقیقاتی دولتی بر روی فناوری صلح‌آمیز کار می‌کند، حتی اگر تحقیقات او توان افزایش توان دفاعی کشور را داشته باشد، فعالیت او فاقد قصد مستقیم برای آسیب‌زدن به دشمن در درگیری است. ولی اگر همان دانشمند مستقیماً و به درخواست نیروهای مسلح، بر روی توسعه کلاهک جنگی برای یک موشک بالستیک که قرار است در حمله قریب‌الوقوع استفاده شود، کار کند، او درگیر رابطه خصمانه شده است.

۱-۵. تفسیر موسع در رویه آمریکا و اسرائیل و برخی نظریه‌ها

برخی از حقوق‌دانان مانند پارکس^{۴۳} و اشمیت^{۴۴}، تفسیر موسع‌تری از مشارکت مستقیم ارائه داده‌اند که بر اساس آن ممکن است هر گونه مشارکت در برنامه‌های تسلیحاتی، صرف‌نظر از ماهیت مستقیم

42. Belligerent Nexus

43. W. H. Parks, "Air War and the Law of War", *Air Force Law Review* 32, 1 (1990): 1-226.

44. Michael N. Schmitt, "Attacking Scientists and the Law of Armed Conflict," *Lieber Institute West Point*, June 18, 2025, accessed october30, 2025, <https://lieber.westpoint.edu/attacking-scientists-law-armed-conflict/>

یا غیرمستقیم آن، هدف‌قرارگرفتن را توجیه کند. پارکس با نگاهی جامع به رویه کشورهای، بین غیرنظامیانی که از «اقدام جنگی» حمایت می‌کنند و آنانی که در «اقدام نظامی» دخیل هستند، تمایز قائل شد. او استدلال کرد که: «غیرنظامیانی که مستقیماً در راستای اقدامات نظامی فعالیت می‌کنند و این شامل دانشمندانی می‌شود که در طرح‌های تحقیقاتی مختلفی مانند رادار، موشک و غیره در طول جنگ جهانی دوم مشغول به کار بودند، به دلیل ماهیت وظایفشان بیشتر رزمنده هستند تا غیرنظامی. نباید اجازه داد که وضعیت غیرنظامی بودن آن‌ها، مصونیت از حمله به غیرنظامیان بی‌گناه را که اکثریت قریب به اتفاق جمعیت هر کشوری هستند به خطر اندازد».^{۴۵} در حالی که همه موافق هستند که افراد درگیر در اقدامات جنگی تحت حمایت حقوق بین‌الملل عرفی و پروتکل الحاقی اول از حمله مصون هستند، پارکس معتقد بود که غیرنظامیانی که کارهای حیاتی برای موفقیت نظامی انجام می‌دهند، تنها طبق پروتکل و در طول عملیات طرفین معاهده، از این حمایت برخوردارند. این بدان دلیل است که او استدلال کرد که بند ۳ ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول^{۴۶} به‌طور کامل بازتاب‌دهنده حقوق عرفی نیست. این موضع تا به امروز نیز موضع ایالات متحده باقی مانده است.^{۴۷} مایکل /شمیت هم معتقد است: «بهترین روش برای نزدیک شدن به نیت اصلی مفهوم مشارکت مستقیم، تفسیر موسع این اصطلاح است؛ یعنی تفسیری که به نفع یافتن مشارکت مستقیم باشد. تفسیر موسع به این معناست که اگر به غیرنظامیان اجازه داده شود که مصونیت خود را حفظ کنند، حتی با وجود اینکه به شکلی انکارناپذیر در هدایت مخاصمات جاری دخیل هستند، این کار باعث بی‌احترامی به حقوق و به ضرر رزمندگانی خواهد شد که فعالیت‌های این غیرنظامیان، آن‌ها را به خطر می‌اندازد. به‌علاوه، این رویکرد گسترده‌تر، انگیزه‌ای برای غیرنظامیان فراهم می‌کند تا حد امکان از مخاصمه دور بمانند، چرا که متعاقبش می‌توانند از اینکه مستقیم مورد هدف قرار گیرند، جلوگیری کنند. شاید در نگاه اول، تفسیر گسترده‌تر فعالیت‌هایی که غیرنظامیان را در معرض حمله قرار می‌دهد، از منظر بشردوستانه، منطقی به نظر نرسد، ولی در واقع این کار با تشویق به حفظ فاصله از عملیات‌های خصمانه، به‌طور کلی به حفاظت از جمعیت غیرنظامی کمک بیشتری می‌کند».^{۴۸}

اما این دیدگاه با مخالفت گسترده جامعه بین‌المللی حقوق بشر مواجه شده است. پروفیسور رایان گودمن در تحلیل خود با عنوان «قدرت کشتن یا اسیر کردن رزمندگان دشمن» به‌صراحت نسبت به تفسیر موسع از مفهوم مشارکت مستقیم در مخاصمات هشدار می‌دهد. وی استدلال می‌کند که گسترش بی‌ضابطه دامنه این مفهوم، نه‌تنها اصول بنیادین حقوق بشردوستانه از جمله اصل تمایز را

45. *Ibid.*

46. *Ibid.*

47. U.S. Department of Defense, Department of Defense Law of War Manual (Washington, D.C.: U.S. Department of Defense, 2016).

48. Schmitt, *The Principle of Distinction in 21st Century Warfare*..

تضعیف می‌کند، بلکه ممکن است به عادی‌سازی هدف‌قراردادن افراد بدون رعایت ضمانت‌های قضایی لازم بینجامد. گودمن با استناد به رویه قضایی بین‌المللی و دکترین حقوقی تأکید می‌کند که تفسیر مضیق از مشارکت مستقیم، تنها راه حفظ توازن بین ضرورت‌های نظامی و حمایت از غیرنظامیان است. به باور او، هر گونه انحراف از این رویکرد، خطر فرسایش استانداردهای حقوق بین‌الملل عرفی و تضعیف نظام حفاظتی کنوانسیون‌های ژنو را در پی خواهد داشت. این دیدگاه بازتاب اجماع گسترده در میان حقوق‌دانان برجسته بین‌المللی است که تفسیر موسع را تهدیدی برای کل نظام حقوق بشر دوستانه می‌دانند.^{۴۹}

۲. تحلیل حقوقی ترور هدفمند دانشمندان هسته‌ای ایران

۲-۱. ارزیابی تطبیقی با معیارهای مشارکت مستقیم (DPH)

الف. آستانه آسیب

مایکل/شمیت معتقد است: «مشارکت‌های علمی عامل اصلی و ضروری در توسعه سلاح هسته‌ای هستند و پس از عملیاتی‌شدن، عملیات نظامی دشمن به‌ناچار تحت تأثیر منفی قرار خواهد گرفت. بنابراین تا زمانی که فردی در واقع [در عملیاتی با ماهیت نظامی] دخالت دارد، نباید شکی وجود داشته باشد که اولین عنصر تشکیل‌دهنده مشارکت مستقیم برآورده می‌شود».^{۵۰} بررسی فعالیت‌های دانشمندان ایرانی نشان می‌دهد که حتی اگر در برنامه غنی‌سازی اورانیوم مشارکت داشته‌اند، این فعالیت‌ها به خودی خود واجد «آستانه آسیب» مورد نظر در راهنمای (ICRC 2009)^{۵۱} نیست. فعالیت‌های علمی تنها در صورتی مشمول این معیار می‌شوند که مستقیماً به عملیات نظامی خصمانه منجر شوند. ایران تا کنون به تولید سلاح هسته‌ای اقدام ننموده است چه رسد که آن را به کار برده باشد. رویه دولت‌ها نشان می‌دهد که فعالیت علمی صرف، به خودی خود مشمول مشارکت مستقیم نیست.

ب. رابطه سببی

شواهد ارائه‌شده توسط اسرائیل نتوانسته است رابطه سببی مستقیمی بین فعالیت دانشمندان و عملیات نظامی خاصی اثبات کند. همان‌طور که/شمیت^{۵۲} خاطر نشان کرده است، «فقدان ارتباط زمانی و

49. Ryan Goodman, "The Power to Kill or Capture Enemy Combatants", *European Journal of International Law* 24, 2 (2013): 819-853.

50. *Ibid.*

51. International Committee of the Red Cross, *Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities* (Geneva: ICRC, 2009), 56.

52. *Ibid.*

مکانی مشخص، ادعای مشارکت مستقیم را بی‌اساس می‌کند. اسرائیل نتوانسته است ارتباط مستقیم و بی‌واسطه‌ای بین فعالیت‌های تحقیقاتی این دانشمندان و عملیات نظامی خاصی اثبات کند، چرا که فعالیت‌های هسته‌ای حتی در صورت فرض قابلیت استفاده نظامی فاقد فوریت تأثیر^{۵۳} و مجاورت با میدان نبرد^{۵۴} هستند. این در حالی است که طبق راهنمای تفسیری (2009) ICRC^{۵۵} و رویه قضایی بین‌المللی از جمله دیوان کیفری بین‌المللی در قضیه لوبانگا (۲۰۱۲)،^{۵۶} مشارکت مستقیم مستلزم اثبات رابطه سببی بی‌واسطه با عملیات نظامی جاری است، نه صرفاً مشارکت در پروژه‌های بلندمدت تحقیقاتی.

ج. رابطه خصمانه

بررسی سوابق دانشمندان ترور شده نشان می‌دهد که بسیاری از آنان در طرح‌های صلح‌آمیز هسته‌ای نیز مشارکت داشته‌اند. این امر تردید جدی در مورد وجود «رابطه خصمانه» مورد نظر ماده ۵۱ پروتکل اول^{۵۷} ایجاد می‌کند.

این مشارکت‌های دوگانه، طبق دیدگاه دیشتاین،^{۵۸} وجود «رابطه خصمانه»^{۵۹} مورد نیاز ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو^{۶۰} را با تردید جدی مواجه می‌کند، چرا که این اصل مستلزم آن است که فعالیت فرد به‌طور خاص و عمدی به قصد حمایت از یک طرف درگیری و آسیب‌رساندن به طرف دیگر طراحی شده باشد.

هنگامی که یک دانشمند در پروژه‌های غیرنظامی و بشردوستانه مشارکت دارد، انگیزه خصمانه بودن فعالیت‌های او زیر سؤال رفته و طبق حقوق بشردوستانه، شکاف موجود در انگیزه‌ها باید به نفع وضعیت غیرنظامی تفسیر شود. این امر به‌ویژه با توجه به تأکید کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (۲۰۰۹)^{۶۱} و لزوم تفسیر مضیق مفهوم مشارکت مستقیم، اهمیت بیشتری می‌یابد.

53. Temporal Nexus

54. Geographical Nexus

55. International Committee of the Red Cross, *Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities* (Geneva: ICRC, 2009), 56.

56. *Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo (Case No. ICC-01/04-01/06), Judgment pursuant to Article 74 of the Statute, International Criminal Court, March 14, 2012.*

57. *Ibid* (1977).

58. *Ibid* (p. 132).

59. Belligerent Nexus

60. *Additional Protocol I*, art. 51.

61. International Committee of the Red Cross, *Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities* (Geneva: ICRC, 2009).

۲-۲. نقض اصل تمایز

ترورهای انجام‌شده از چند جهت اصل تمایز را نقض کرده‌اند:

الف. ابهام در وضعیت نظامی

هیچ مدرکی دال بر عضویت این دانشمندان در نیروهای مسلح ایران ارائه نشده است، چرا که مطابق اسناد بین‌المللی، تنها در مواردی می‌توان فردی را هدف قرار داد که عضویت در نیروهای مسلح داشته باشد یا به‌طور مستقیم در عملیات نظامی مشارکت کند.^{۶۲} اسرائیل تا کنون هیچ سند معتبری دال بر عضویت این دانشمندان در نهادهای نظامی مانند ارتش، سپاه پاسداران و بسیج منتشر نکرده است. ادعاهای مبتنی بر «اطلاعات امنیتی» بدون شفافیت و امکان شناسایی، از نظر حقوق بین‌الملل فاقد اعتبار است. همچنین بسیاری از این دانشمندان در مراکز تحقیقاتی غیرنظامی مانند دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و بیمارستان‌ها فعالیت داشتند. حتی اگر برخی پروژه‌های آنان کاربرد دوگانه (صلح‌آمیز و نظامی) داشته باشد، این امر به خودی خود موجب تغییر وضعیت آنان به نظامی نمی‌شود. طبق پروتکل اول ژنو (ماده ۵۰)،^{۶۳} هر فردی که عضویت در نیروهای مسلح نداشته باشد، غیرنظامی محسوب می‌شود. بار اثبات خلاف این امر بر عهده حمله‌کننده است. بررسی کارنامه‌های علمی این افراد نشان می‌دهد که بسیاری از آنان در دانشگاه‌های معتبر تدریس می‌کردند، در کنفرانس‌های بین‌المللی شرکت داشتند و روی طرح‌های صلح‌آمیز مانند پزشکی هسته‌ای کار می‌کردند.

ب. حمله به محیط‌های غیرنظامی

ترورهای هدفمند دانشمندان هسته‌ای ایران در اماکن عمومی و غیرنظامی، نقض آشکار «اصل تفکیک» در حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. این اصل که در «راهنمای تفسیری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ» (ICRC (2009) به‌طور ویژه تأکید شده است، الزام می‌کند که طرفین درگیری باید فعالانه «اهداف نظامی را از اهداف غیرنظامی جدا نگه دارند» و از به‌کارگیری روش‌هایی که این جدایی را مخدوش می‌کنند، خودداری ورزند. ترورها در اماکنی همچون خیابان‌های عمومی و اماکن شخصی در معابر غیرنظامی و حتی منازل مسکونی، دقیقاً نقض این اصل بنیادین است، چرا که این حملات عمدتاً در محیط‌هایی صورت گرفته که هیچ جدایی فیزیکی بین اهداف نظامی ادعایی و غیرنظامیان وجود ندارد. به‌عنوان مثال، هدف قرار دادن خودروی یک دانشمند در مجتمع مسکونی

62. William H. Boothby, *The Law of Targeting* (Oxford: Oxford University Press, 2016).

63. *Additional Protocol I*, art. 50.

64. International Committee of the Red Cross, *Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities* (Geneva: ICRC, 2009).

پرجمعیت، جان غیرنظامیان بی‌گناه را به‌طور جدی به خطر می‌اندازد. به‌کارگیری روش‌هایی که ذاتاً غیرانتخابی^{۶۵} هستند و با اصل تفکیک مغایرت دارند، کنترل دقیق اثرات حمله و جلوگیری از تلفات غیرنظامی را غیرممکن می‌کند. حتی اگر فرض شود هدف (دانشمند) مشروع است، حمله در یک محیط کاملاً غیرنظامی بدون در نظر گرفتن اثرات ثانویه بر غیرنظامیان و اموال غیرنظامی، نقض ماده ۵۷ پروتکل اول ژنو^{۶۶} است که اقدامات احتیاطی در حمله را الزامی می‌کند. این ترورها علاوه بر نقض مستقیم اصل تفکیک، اثرات روانی گسترده‌ای بر جامعه غیرنظامی داشته و محیطی از ترس ایجاد کرده که خود مانع ادامه زندگی عادی غیرنظامیان می‌شود. این اقدامات نه تنها نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه است، بلکه رویه‌ای خطرناک را در درگیری‌های معاصر تثبیت می‌کند که در آن، احترام به حریم غیرنظامیان و تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی به حاشیه رانده می‌شود.

۲-۳. نقض اصل تناسب

حتی اگر فرض شود که برخی از دانشمندان هسته‌ای ایران به‌طور مستقیم در فعالیت‌های نظامی مشارکت داشته‌اند (فرضی که همچنان نیازمند اثبات است)، روش ترور هدفمند آنان از چند جهت اساسی «اصل تناسب» را نقض کرده است. اصل تناسب که در «ماده ۵۱(ب) پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۷)^{۶۷} تصریح شده، حملاتی را ممنوع می‌کند که «خسارات جانبی^{۶۸} به غیرنظامیان یا اهداف غیرنظامی» وارد می‌آورند که «بیش از مزیت نظامی مستقیم و مشخص مورد انتظار» باشند. در مورد ترور دانشمندان ایرانی، این نقض به شرح زیر است: ترورها عمدتاً با استفاده از سلاح‌های انفجاری در محیط‌های شهری انجام شده‌اند. این روش‌ها به دلیل عدم توانایی در کنترل دقیق اثر انفجار، ذاتاً غیرانتخابی هستند و خطرات گسترده‌ای برای غیرنظامیان مجاور ایجاد می‌کنند. به‌عنوان مثال، انفجار ساختمان در اماکن شلوغ شهری نه تنها هدف ادعایی را از بین می‌برد، بلکه ممکن است به رهگذران، وسایل نقلیه غیرنظامی و ساختمان‌های مجاور آسیب برساند. طبق «ماده ۵۷ پروتکل اول»،^{۶۹} طرف حمله‌کننده موظف است «همه اقدامات عملی ممکن» را به عمل آورد تا از غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی حفاظت کند. این شامل «انتخاب روش‌ها و وسایلی» است که خطر صدمات را به حداقل برساند. در این ترورها اسرائیل از روش‌هایی استفاده کرده که خطرات غیرضروری برای غیرنظامیان ایجاد می‌کند. حتی اگر مشارکت مستقیم یک

65. Indiscriminate

66. Additional Protocol I, art. 57.

67. Additional Protocol I, art. 51(5)(b).

68. Incidental

69. Additional Protocol I, art. 57.

دانشمند اثبات شود، «مزیت نظامی حذف او» باید با «خسارات جانبی محتمل» سنجیده شود. در بسیاری از موارد ممکن است خسارات جانبی (مانند کشته شدن غیرنظامیان یا تخریب اموال غیرنظامی) به مراتب بیش از مزیت نظامی مورد ادعا باشد. به عنوان مثال، اگر حذف یک دانشمند، تنها «یک برنامه بلندمدت هسته‌ای» را مختل کند (که خود مشروط به فرضیات بسیاری است)، اما در عمل به «کشته شدن ده‌ها غیرنظامی» در حمله انفجاری منجر شود، این اقدام آشکارا نقض اصل تناسب است.

۳. مسئولیت بین‌المللی

می‌توان مسئولیت بین‌المللی ناشی از ترور هدفمند دانشمندان هسته‌ای ایران را در چارچوب حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بشر بررسی کرد. این اقدامات از چند منظر موجب مسئولیت برای مرتکبان و حامیان آن‌ها می‌شود:

۳-۱. مسئولیت کیفری بین‌المللی (جنایت جنگی)

- طبق ماده ۸(ب)(۲)(i)،^{۷۰} «حمله عمدی به غیرنظامیان یا اهداف غیرنظامی» به عنوان «جنایت جنگی» در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی شناخته می‌شود.^{۷۱} ترور دانشمندان ایرانی در غیاب اثبات مشارکت مستقیم و بی‌واسطه آنان در مخاصمات، مصداق بارز این جنایت است.

- «ماده ۸(ب)(۲)(iv)» اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی،^{۷۲} حملاتی را که «منجر به خسارات شدید به غیرنظامیان شوند که با مزیت نظامی مورد انتظار نامتناسب باشند» ممنوع می‌کند. استفاده از روش‌های غیرانتخابی (مانند حمله در اماکن عمومی) نیز تحت این ماده قابل تعقیب است.

۳-۲. نقض حق حیات تحت حقوق بین‌الملل بشر

- ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)^{۷۳} حق حیات را به عنوان حق غیرقابل تعلیق به رسمیت می‌شناسد و دولت‌ها را موظف می‌کند تا از هر گونه محرومیت خودسرانه از حیات جلوگیری کنند. ترورهای هدفمند بدون وجود محاکمه قضایی، نقض فاحش این تعهد هستند.

70. Rome Statute of the International Criminal Court, 17 July 1998, 2187 U.N.T.S. 90, art.

71. Robert Cryer, Darryl Robinson, and Sergey Vasiliev, *An Introduction to International Criminal Law and Procedure*, 4th ed. (Cambridge: Cambridge University Press, 2019).

72. *Ibid* (8(2)(b)(i)).

73. International Covenant on Civil and Political Rights, 16 December 1966, 999 U.N.T.S. 171, art. 6.

– «کمیته حقوق بشر سازمان ملل» در تفسیر عمومی شماره ۳۶ (۲۰۱۸)^{۷۴} تصریح کرده است که استفاده از نیروی مرگبار، تنها در شرایطی مجاز است که «ضروری» باشد و «تناسب دقیق» با تهدید موجود داشته باشد. ترور دانشمندان فاقد این شرایط است.

۳-۳. مسئولیت دولت‌ها و افراد

رژیم اسرائیل به‌عنوان ناقض حقوق بین‌الملل، متعهد به «جبران خسارت»^{۷۵} برای خانواده‌های قربانیان است. این شامل «بازگرداندن وضعیت پیشین»^{۷۶}، غرامت مالی^{۷۷} و عذرخواهی رسمی^{۷۸} می‌شود. ممکن است عواملان مستقیم این ترورها و فرماندهان آنان به‌صورت «فردی» تحت تعقیب کیفری قرار گیرند. دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند بر اساس صلاحیت سرزمینی یا شخصی اعضای اساسنامه روم یا ارجاع شورای امنیت، این پرونده را بررسی کند.

ترور دانشمندان ایرانی نه‌تنها نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل است، بلکه «مسئولیت کیفری برای افراد» و «مسئولیت بین‌المللی برای دولت متخاصم» ایجاد می‌کند. ممکن است این ترورها مصداق جنایت جنگی تحت ماده ۸(۲)(ب)(i) اساسنامه رم^{۷۹} باشد که حمله عمدی به غیرنظامیان را ممنوع می‌کند. همچنین ممکن است نقض ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) محسوب شود که حق حیات را تضمین می‌کند. جامعه بین‌الملل باید با استفاده از سازوکارهای موجود، از جمله دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری، در برابر این اقدامات پاسخگو باشد.

نتیجه

از دیدگاه حقوق بین‌الملل، ترور هدفمند دانشمندان هسته‌ای ایران در عملیات ژوئن ۲۰۲۵، فراتر از نقض متعارف، بیانگر چالش ساختاری عمیق‌تر برای کل نظام حقوقی حاکم بر مخاصمات مسلحانه است. در هسته این چالش، تعارضی بنیادین بین تفسیر موسع و یکجانبه از «ضرورت امنیتی پیشدستانه» از یک سو، و چارچوب چندجانبه و قاعده‌مند حقوق بشردوستانه از سوی دیگر قرار دارد. این اقدام، اصول بنیادین آمره حقوق بشردوستانه را به‌طور همزمان و نظام‌مند نقض می‌کند. نخست، اصل تفکیک که ستون فقرات حمایت از غیرنظامیان است و در ماده ۴۸ پروتکل اول ۱۹۷۷ و حقوق عرفی تبلور یافته، با هدف قراردادن افرادی زیر پا گذاشته می‌شود که وضعیت

74. United Nations Human Rights Committee, "General Comment No. 36 (2018) on Article 6 of the International Covenant on Civil and Political Rights, on the Right to Life," CCPR/C/GC/36, para. 2 (30 October 2018).

75. Reparation

76. Restitution

77. Compensation

78. Satisfaction

79. Rome Statute, art. 8(2)(b)(i).

غیرنظامی آنان اصل است و ادعای مشارکت مستقیم آنان فاقد آن درجه از فوریت، تأثیر بی‌واسطه و پیوند مستقیم با یک عملیات نظامی مشخص است که طبق راهنمای تفسیری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (۲۰۰۹) لازمه محرومیت موقت از مصونیت است.

تفسیری که صرف فعالیت در یک حوزه علمی با کاربرد دوگانه یا عضویت در یک برنامه بلندمدت تحقیقاتی را معادل «مشارکت مستقیم» می‌انگارد، مرزهای مفهومی این اصطلاح حیاتی را مخدوش کرده و خطر تبدیل شدن هر متخصص غیرنظامی در رشته‌های راهبردی به هدفی مشروع را ایجاد می‌کند.

دوم، اصل تمایز که در ماده ۵۸ پروتکل اول و رویه قضایی بین‌المللی به‌عنوان قاعده عرفی شناخته شده، به دلیل انتخاب عمدی اماکن کاملاً غیرنظامی برای اجرای عملیات مانند خیابان‌های عمومی و خودروهای شخصی در شهرها و استفاده از روش‌ها و وسایلی که ذاتاً قابلیت محدود کردن اثرات به هدف ادعایی را ندارند، نقض شده است. این امر نه تنها جان غیرنظامیان بی‌گناه را به مخاطره می‌اندازد، بلکه روح اصل تمایز را که مبتنی بر جداسازی فیزیکی نیروهای نظامی از جمعیت غیرنظامی برای تسهیل اعمال اصل تفکیک است، نادیده می‌گیرد. سوم، حتی با گذشتن از دو اصل مذکور، اصل تناسب مندرج در ماده ۵۱(۵)(ب) پروتکل اول نیز نقض شده است. این اصل که دیوان بین‌المللی دادگستری در نظرگاه مشورتی سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۹۶) بر عرفی بودن آن صحنه گذاشته، مقایسه‌ای میان «مزیت نظامی مستقیم و مشخص» مورد انتظار و «خسارات اتفاقی پیش‌بینی شده» به غیرنظامیان طلب می‌کند. در این مورد، مزیت نظامی ادعایی مختل کردن برنامه تحقیقاتی بلندمدت و پیچیده با حذف یک فرد غیرمستقیم، نامشخص و مشروط به فرضیات متعدد است، در حالی که خسارات اتفاقی ناشی از حمله انفجاری در محیط شهری، مستقیم، قطعی و بالقوه گسترده است. چنین عدم توازن، نقض فاحش اصل تناسب را محرز می‌کند. این نقض سه‌گانه اصول آمره، مسئولیت بین‌المللی دولت ناقض را به‌طور کامل برمی‌انگیزد. این مسئولیت، هم جنبه کیفری دارد زیرا اعمال مذکور به‌طور بالقوه مشمول تعریف جنایت جنگی تحت ماده ۸ اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی، به‌ویژه حملات عمدی به غیرنظامیان و حملات نامتناسب قرار می‌گیرند و هم جنبه مدنی، متضمن تعهد به جبران خسارت برای بازماندگان. به‌علاوه، این ترورها نقض آشکار حق حیات به‌عنوان حق غیرقابل تعلیق تحت ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است، چرا که این محرومیت از حیات، فاقد پابندی به معیارهای ضرورت مطلق و تناسب دقیق با تهدید آنی است. در سطحی کلان‌تر، این رویکرد حاکی از گرایش خطرناک به سمت عادی‌سازی اقدامات فراقضایی خارج از چارچوب‌های جمعی امنیتی است. این امر نه تنها «فرهنگ معافیت از مجازات» را تقویت می‌کند، بلکه با ایجاد سابقه مخرب، هنجارهای سخت‌به‌دست‌آمده حمایت از غیرنظامیان را که ثمره دهه‌ها تلاش جامعه بین‌الملل است، دچار

فرسایش می‌کند. خطر واقعی، تقلید دیگر بازیگران دولتی و غیردولتی از این منطق و تسری آن به سایر حوزه‌های حساس مانند جنگ سایبری یا زیست‌شناختی است که در نهایت، امنیت جمعی همه را تضعیف خواهد کرد.

این پژوهش نشان داد که ترور دانشمندان هسته‌ای ایران نه تنها نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه است، بلکه تهدیدی جدی برای ثبات نظام بین‌المللی محسوب می‌شود. همان طور که صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل تأکید کرده‌اند، «توسعه حقوق بین‌الملل در این حوزه باید میان امنیت ملی و حمایت از غیرنظامیان تعادل ایجاد کند». بنابراین، پاسخ مؤثر، قاطع و مبتنی بر سازوکارهای چندجانبه حقوقی اعم از قضایی، نظارتی و سیاسی نه انتخاب، بلکه ضرورت حیاتی برای حفظ اعتبار و کارآمدی خود نظام حقوق بین‌الملل در مواجهه با چالش‌های امنیتی پیچیده قرن بیست‌ویکم است. سکوت یا ناتوانی در این زمینه، به معنای تشویق حاکمیت زور بر حق و تهدید بنیادهای نظم مبتنی بر قاعده است.



منابع:

الف. فارسی

- کتاب

۱. ضیائی بیگدلی، محمدرضا. *حقوق بین‌الملل بشردوستانه*. تهران: گنج دانش، ۱۴۰۱.
۲. کرو، جاناتان و کیلی وستون-اشوبر. *بایسته‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه*. ترجمه: رضا موسی‌زاده، احمدرضا آذریندار و علی‌اکبر ملکی. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۹.

- مقاله

۱. صالحی، محمدخلیل و محمد سلمانی فرهمند. «تحلیل ترور دانشمندان هسته‌ای ایران از منظر حقوق داخلی و بین‌الملل»، *تمدن حقوقی* ۴، شماره ۹ (۱۴۰۰).

ب. انگلیسی

- Books

1. Boothby, William H. *The Law of Targeting*. Oxford: Oxford University Press, 2016.
2. Cryer, Robert, Darryl Robinson, and Sergey Vasiliev. *An Introduction to International Criminal Law and Procedure*. 4th ed. Cambridge: Cambridge University Press, 2019.
3. Dinstein, Yoram. *The Conduct of Hostilities under the Law of International Armed Conflict*. 3rd ed. Cambridge: Cambridge University Press, 2016.
4. Henckaerts, Jean-Marie, and Louise Doswald-Beck. *Customary International Humanitarian Law. Volume 1, Rules*. Cambridge: Cambridge University Press, 2005.
5. Melzer, Nils. *Targeted Killing in International Law*. Oxford: Oxford University Press, 2008.

- Articles

1. Goodman, Ryan, "The Power to Kill or Capture Enemy Combatants". *European Journal of International Law* 24, no. 2 (2013).
2. Parks, W. H., "Air War and the Law of War". *Air Force Law Review* 32, no. 1 (1990).
3. Schmitt, Michael N., "The Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities: A Critical Analysis". *Harvard National Security Journal* 1, no. 1 (2010).
4. Schmitt, Michael N., "The Principle of Distinction in 21st Century Warfare". *Yale Human Rights & Development Law Journal* 15 (2012).

- Cases

1. *Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America)*. Judgment of 27 June 1986. I.C.J. Reports 1986, p. 14.
2. *ICC, Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo*, Case No. ICC-01/04-01/06. Judgment pursuant to Article 74 of the Statute. Int'l Crim. Ct. March 14, 2012.

- Instruments

1. International Covenant on Civil and Political Rights. 16 December 1966. 999 U.N.T.S. 171. Accessed October 30, 2025. <https://treaties.un.org/doc/publication/unts/volume%20999/volume-999-i-14668-english.pdf>.
2. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I). 8 June 1977. Accessed October 30, 2025. <https://ihl-databases.icrc.org/ihl/385ec082b509e76c41256739003e636d/6756482d86146898c125641e004aa3c5>.
3. Rome Statute of the International Criminal Court. 17 July 1998. Accessed October 30, 2025. <https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/RS-Eng.pdf>.

- Documents

1. International Atomic Energy Agency. *Report on Iran's Nuclear Program*. Vienna: IAEA Board of Governors, 2025.
2. International Committee of the Red Cross. *Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities*. Geneva: ICRC, 2009.
3. U.S. Department of Defense. *Department of Defense Law of War Manual*. Washington, D.C.: U.S. Department of Defense, 2016. Accessed January 15, 2025. <https://www.hsdl.org/?view&did=797480>.
4. United Nations Human Rights Committee. "General Comment No. 36 (2018) on Article 6 of the International Covenant on Civil and Political Rights, on the Right to Life". CCPR/C/GC/36. October 30, 2018. Accessed October 30, 2025. <https://undocs.org/CCPR/C/GC/36>

- Online Source

1. Schmitt, Michael N., "Attacking Scientists and the Law of Armed Conflict." *Lieber Institute West Point*. June 18, 2025. <https://lieber.westpoint.edu/attacking-scientists-law-armed-conflict/>.